

دیگر نیست..."
جهانگیر صداقت فر



در حوالی این محل

کوچه‌یی بود

که دیگر نیست.

و در آن کوچه

دیوارِ پیر که موسم تابستان

بر شانه عطرِ یاس می‌آویخت

دیگر نیست؛

و تکدرختِ اقاقی

- که بر تن اش

ز نقشِ تیر خورده‌ی قلبی

سه قطره خون می‌ریخت-

دیگر نیست

و در دریچه‌ی چوبیِ خانه‌ی همسایه
 سحرِ نگاهِ دختر کی قاب بود
 که دیگر نیست...

و در آن رهگذر - آه
 ردی ز روزگارِ شباب بود
 که دیگر نیست.

* * *

تیوران - ۲۳ آپریل ۲۰۱۸

پایان آرمان ۶

